

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قصه‌های طاقدیس

به نثر حسین استادولی

استادولی، حسین، ۱۳۳۱ - اقتباس کننده
 مثنوی طاقدیس،
 قصه‌های طاقدیس / حسین استادولی، تصویرگر: علی مظاهری
 تهران: پیام محراب، ۱۳۸۶.
 ۱۰ صفحه
 ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۸۳-۹۰۰
 فهرست‌ریسی: فیبا
 کتاب حاضر اقتباسی از مثنوی طاقدیس اثر احمد بن محمد مهدی
 عراقی است.
 چهار تیلی: دکتر دانش‌آموخته، ۱۳۷۶.
 کتابخانه بهار و روت زیرنویس.
 عراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۱۸۵ - ۱۲۲۵ ق - اقتباس‌ها
 داستان‌های کوبه، رسی: حسن - عرفان - قرن ۱۳ ق.
 مظاهری علی، ۱۳۰۳ - ۱۳۸۶ ق / ۲۳ س
 PIR ۸۹۵۳
 ۱۰۹۷۰۶۴ ۸ فا ۳ / ۶۲



انتشارات پیام محراب
 قصه‌های طاقدیس

نویسنده: حسین استادولی
 تصویرگر متن: علی مظاهری
 چاپ: گلبان

صحافی: صاحب الزمان
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ: سوم - ۱۳۹۵

نشانی: تهران، خ ظهیر الاسلام، خ شهید امید آزادیخواه کوچه یوسف‌خان حکیم
 شماره ۲۳، کدپستی: ۱۱۴۶۸۹۵۱۱۴
 تلفن: ۳۳۹۱۴۴۶۰

دورنگار: ۳۳۹۹۴۵۷۳
 قیمت: ۷۵۰۰ تومان
www.bookspayam.com

عناوین کتاب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵	پیا گفتار
۱۳	گیت زرگر
۱۷	کونک حکم کار
۱۸	پادشاه مغرب زمین و زنگیان
۲۱	پیامبر رحمت و کورکان
۲۴	عارف محکوم
۳۰	عرب شترسوار
۳۳	مرد مسافر و شتر مرغ
۳۴	لقمان حکیم و میوه تلخ
۳۶	عاشق چند دله
۳۷	مرد غافل
۳۹	ملا احمد نراقی و یار پرتوقع
۴۰	مجنون و رگزن
۴۲	پلنگ و دهقان
۴۶	مجنون و سگ لیلی
۴۷	میرفندرسکی در بتخانه هند
۵۴	امیر آفتابه دار
۵۵	نوبه پسر حافی

- ۵۸ شوریده‌ای که به کلیسا رفت
 ۶۳ گرفتار شدن امیر مخلوع
 ۶۵ گدای عاشق
 ۶۷ دزد حیران
 ۶۸ مظلوم بازار
 ۷۱ بافت زورگویی
 ۷۲ شک باوفا و صیاد ستمگر
 ۷۵ موسی علیه السلام پیر گبر
 ۷۸ مرد لرزان
 ۸۳ تاجر کودن
 ۸۶ بازرگان خوش لباس
 ۸۸ عابد و گریه
 ۹۰ گفتگوی دو مرغ هم پرواز
 ۹۴ عذر بدتر از گناه
 ۹۵ مرد روستائی و تخم منار
 ۹۸ روحانی‌نمای بی تقوا
 ۱۰۱ جوان خارکن و دختر پادشاه
 ۱۰۴ مرد و مشک
 ۱۰۷ جوان بی‌نوا و خوان الهی
 ۱۱۴ طاووس یمانی و خلیفه
 ۱۱۶ سمنون محب
 ۱۱۸ جلاد و اسیر فراری

به نام خدا

پیشگفتار

قال علی علیه السلام:

رَوْحُوا أَنْفُسَكُمْ بِبَدِيعِ الْحِكْمَةِ
فَإِنَّهُ أَتَكِلُ كَمَا تَكِلُ الْأَجْدَانُ *
جانهای خویش را به حکمت‌های تازه صفا بخشید،
که جانها نیز مانند بدن‌ها خسته می‌شوند

روح هر سنگ دارد و هم خستگی، و مانند بدن نیازمند غذا و استراحت است. هدای روح دانش و بررسی نکات علمی است، و تفریح و استراحت آن که در شرف سخنان دلکش و حکمت‌آمیز. گاهی شنیدن یک نکته علمی یا اخلاق برای روح چنان لذت‌بخش است و آن را به اهتزاز می‌آورد که حاضر نیست آن لذت را با چیزی معامله کند. حکمت‌های نغز و روح پروری که در گام دین و حکمت، و آموزگاران اخلاق و انسانیت در قالب داستان پیخته‌اند و در لابلای کتب خود گنج‌انیده‌اند، علاوه بر جنبه آموزشی آنها، به وسیله تفریح و بازیابی نشاط برای روح است.

کتابی که پیش‌رو دارید باز نویسی داستان‌های عامیانه، اخلاقی و حکیمانه‌ای است که به عنوان شاهد مثال در ضمن بیان عارفانه مثنوی طاق‌دیس اثر عالم بزرگ اخلاقی و فقیه نامدار و فیلسوف و حکیم گرانمایه شیعه مرحوم ملا احمد نراقی رحمته الله آمده است.

ناظم طاق‌دیس

حاج ملا احمد نراقی فرزند فیلسوف و فقیه و عالم بزرگ اخلاقی مرحوم ملامهدی نراقی است که هردو از چهره‌های درخشان فضل و دانش و علم و اجتهاد و مرجعیت شیعه در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری شناخته شده‌اند.

وی در سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶ در نراق کاشان دیده به جهان گشود. مقدمات علوم را در محضر پرفیض پدر گرانقدرش فراگرفت و چند سال در خدمت آن بزرگوار تحصیل نمود. سپس به عراق رفت و در خدمت اساتید بزرگی چون علامه سید مهدی بحر العلوم، علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء و استاد کر آقا محمد باقر وحید بهبهانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و به تمام اجتهاد نائل آمد. سپس به نراق بازگشت و پس از درگذشت پدر بزرگوارش در سال ۱۲۰۱ به مقام مرجعیت رسید.

وی از مردان صالح و پرهیزگار و زکات‌خوار خود بود، به تهیدستان رسیدگی می‌کرد، به فریاد مظلومان می‌رسید، در برآوردن حاجت نیازمندان سخت کوشا بود و به‌ویژه در برپاداشتن مراسم دین و پیاده شدن احکام خدا غیرت و همت بسیار داشت.

بر دست با کفایت این بزرگمرد شاگردانی تربیت شدند که از جمله می‌توان از آیت حق در علم و عمل حاج شیخ مرتضی انصاری (ع) که او را «خاتمة المجتهدین» لقب داده‌اند نام برد.

ملا احمد نراقی آثار گرانمایی به زبان فارسی و عربی در رشته‌های گوناگون علوم از خود به یادگار گذاشت که معروف‌ترین آنها به زبان فارسی کتاب معراج السعادة در اخلاق، خزائن در مطالب گوناگون و مثنوی طاق‌دیس در سیر و سلوک و مسائل اخلاقی و حقایق عرفانی است. وی پس از عمری تحقیق و تألیف و تدریس، سرانجام در شب

یکشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۴۵ * به بیماری وبا درگذشت. بدن شریف او را به نجف اشرف انتقال دادند و در کنار پدر گرامیش در پشت حرم امیرمؤمنان علی علیه السلام به خاک سپردند. خدایش رحمت کند و با اولیاء دین محشور نماید.

طاق‌دیس

طاق‌دیس به معنای صُفّه و ایوانی است که شاهان در آن جلوس می‌کردند. حکیم بزرگ نیز در نظر داشته این مثنوی را در چهار صُفّه پیرداشته، و در پایان صُفّه اول گوید:

داستانم را که نور آمد و ختام

صُفّه‌ای از طاق‌دیس شد تمام

صُفّه‌ای از چهار صُفّه شد تمام

آن سه، باشد، تا تو را آید پیام

گرچه سرایش این مثنوی ناتمام مانده و ناختم، سرودن دو صُفّه بیشتر موفق نگردیده است.

این کتاب سرگذشت طوطی است که همراه و خوشش شاه بوده، در قصر سلطنتی آشیان داشته، در فضای امن بوستان شاه پرور می‌کرد و شاه در اثر علاقه و افری که به آن داشته او را برای آموختن زبانهای گوناگون و آشنا شدن با پیردانی که در جزیره مخصوصی می‌زیسته به آن جزیره

* از حسن تصادف، این مقدمه در روز ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۱۶ نگاشته شد که درست ۱۷۱ سال از درگذشت آن بزرگوار می‌گذرد.

گسیل داشته است، ولی این طوطی به محض رسیدن به آن جزیره و دیدن
منظره‌های سبز و خرم و آب و هوای به ظاهر خوش آن، در اثر خستگی و
مشکلات سفر، جغد شوم آنجا در نظرش سیمرغ جلوه کرده و زاغ و
زغن در نظرش همای سعادت آمده، از همین رو بدان جا دل خوش
نموده و دل از یار بریده و یاد شاه و هم پروازان خود را به کلی از خاطر
برده است، اما پس از چندی شکار صیاد بی‌رحمی شده که او را در قفس
نموده و همفص زاغ و زغن ساخته، و طوطی بیچاره در اثر این معاشرت
و بالاش شکسته و از نطق و سرود افتاده و زخمی چنگال این حیوانات
شده است.

خورد چون طوطی فرب ز زاغ شوم
روز و شب شد همنشین با فوج بوم
رفت از یادش نوای بزم و طیان
شب ز هانش بسته زان نطق و بیان
بال رنگارنگ او بر باد رفت
بسال افتادند و را از یاد رفت
جا گرفت اندر خرابی تنگ و تنگ
بسترش گه خاک که خاک و خاک و خار

پس نتیجه می‌گیرد که این درست سرگذشت مرغ نهمی است که
برای کسب کمالات و آراسته شدن به اخلاق الهی به این سرای خاکی
گسیل شده، اما او فریب زرق و برق فریبده دنیا را خورده و به زندگی
دنایای دون دل خوش کرده و در نتیجه خود را اسیر هوای نفس و یاران
شوم نموده و در قفس تن زندانی ساخته و یاد ایام خوش گذشته را از
خاطر برده و با دیو و دد همفص گردیده است.